

تأثیر تکانه مخارج مصرفی دولت بر حساب جاری و نرخ ارز مؤثر واقعی در کشورهای در حال توسعه نفتی و غیر نفتی:

رهیافت Panel VAR

احمد سجودی

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، sujudi89@yahoo.com

سعید دائی کریم زاده^۱

دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، saeedkarimzade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۱

چکیده

عملکرد سیاست مالی دولت‌ها همواره یکی از موضوعات مورد بحث در اقتصاد کلان بوده است. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر مخارج مصرفی دولت بر حساب جاری و نرخ ارز مؤثر واقعی در دو گروه از کشورهای در حال توسعه نفتی و غیرنفتی است. به منظور تخمین اثر تکانه مخارج مصرفی دولت از داده‌های سالیانه دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۱ و روش خودرگرسیون برداری تابلویی (Panel VAR) استفاده شد. یافته‌های تجربی دلالت بر آن دارد که اثر تکانه مخارج مصرفی دولت بر حساب جاری در دو گروه از کشورهای نفتی و غیرنفتی منفی بوده و موجب کسری حساب جاری می‌شود ولی در بلندمدت کسری حساب جاری در کشورهای نفتی رو به افزایش بوده و در کشورهای غیرنفتی رو به کاهش می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد اثر تکانه مخارج مصرفی دولت بر نرخ ارز مؤثر واقعی در دو گروه از کشورهای نفتی و غیرنفتی متفاوت است. به طوری که تکانه مخارج مصرفی دولت در کشورهای غیرنفتی در کوتاه‌مدت موجب افزایش نرخ ارز مؤثر واقعی شده و در میان مدت و بلندمدت موجب کاهش آن می‌شود، ولی در کشورهای نفتی تکانه مخارج مصرفی دولت موجب افزایش نرخ ارز مؤثر واقعی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نرخ ارز مؤثر واقعی، حساب جاری، مخارج مصرفی دولتی، panel-
VAR.

طبقه بندی JEL: F32, E62, F41, C32.

^۱ نویسنده مسئول

۱- مقدمه

مطالعات تجربی انجام شده در حوزه تأثیر شوک‌های مالی دولت بر عملکردهای اقتصادی باورهای سنتی در این زمینه را به چالش کشیده و اخیراً بحث‌های بسیار داغی را به راه انداخته‌اند. این دسته از مطالعات با کار مشترک کیم و رابینی^۱ در سال ۲۰۰۸ شروع شده است. کیم و رابینی این مساله را به صورت تجربی و با بهره‌گیری از تکنیک خودرگرسیون برداری (VAR) در ایالات متحده مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این محققان نشان داد که شوک‌های مالی دولت منجر به یک بهبود کوتاه‌مدت در حساب‌های جاری و کاهش نرخ ارز واقعی می‌شود و این برخلاف پیش‌بینی‌های بسیاری از مدل‌های نظری از جمله مدل سنتی ماندل-فلمنگ^۲ (MFD) و مدل نوین DSGE (تبادل عمومی پویای تصادفی) می‌باشد.

با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر تناقض بین شواهد تجربی با مبانی نظری مدل‌های سنتی، تحقیقات تجربی گسترده‌ای در این حوزه انجام گرفت و محققان بیشتری (از جمله ارکاگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۵؛ کورستتی و مالر^۴ ۲۰۰۶؛ مالر ۲۰۰۸؛ راون^۵ و همکاران، ۲۰۱۲؛ بیتسما^۶ و همکاران، ۲۰۰۸؛ کولمن^۷ ۲۰۱۰؛ مونسلی و پروتی^۸، و ۲۰۱۰؛ اندرز^۹ و همکاران، ۲۰۱۱) با روش‌ها و تکنیک‌های مختلف به بررسی اثر سیاست‌های مالی بر حساب جاری (یا تراز تجاری) و نرخ ارز واقعی پرداختند.

شواهد تجربی این مطالعات دلالت بر آن دارد که هم‌چنان چالش و ابهام اساسی در زمینه اثرگذاری سیاست مالی بر متغیرهای کلان از جمله نرخ ارز واقعی و تراز تجاری وجود دارد. به نظر می‌رسد ساختار اقتصادی حاکم بر کشورها (از جمله ساختار نفتی و غیرنفتی) تأثیر بسزایی در شواهد تجربی دارد. از این رو با عنایت به ادبیات موجود در زمینه اثرات مخارج مصرفی دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ ارز واقعی و حساب جاری، مساله اساسی قابل طرح تحقیق این است که اولاً تأثیر سیاست‌های مالی (مخارج مصرفی

^۱ Kim & Roubini

^۲ Mundell-Fleming- Dornbusch

^۳ Ercag

^۴ Corsetti & Müller

^۵ Ravn

^۶ Beetsma

^۷ Kollmann

^۸ Monacelli & Perotti

^۹ Enders

دولت) بر تراز حساب جاری و نرخ ارز واقعی چگونه است؟ ثانیاً نقش ساختار اقتصاد نفتی و غیرنفتی در رابطه بین سیاست‌های مالی با تراز تجاری و نرخ ارز واقعی چگونه است؟ به نظر می‌رسد نفتی و غیرنفتی بودن اقتصاد کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه بین مخارج مصرفی دولت و متغیرهای کلان اقتصادی دارند. لذا در این پژوهش برای روشن کردن این مسئله، اثرات مخارج دولتی بر تراز تجاری و نرخ ارز موثر واقعی با استفاده از داده‌های دو گروه کشور در حال توسعه (شامل ۱۸ کشور نفتی و ۲۲ کشور غیرنفتی) طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۱ مورد کنکاش تجربی قرار می‌گیرد.

۲. ادبیات موضوع

همانطور که در مقدمه مطرح شد، امروزه اثرات سیاست مالی بر تراز تجاری و نرخ ارز حقیقی با ابهام مواجه بوده و شواهد تجربی دلالت بر این دارد که بسته به ساختار و شرایط اقتصادی کشورها از یک طرف و تکنیک‌ها و نوع داده‌های مورد استفاده از طرف دیگر، سیاست‌های مالی اثرات متفاوتی از خود بر جای می‌گذارد. به طور مشخص، بایستی مبانی نظری بتواند تاثیر ویژگی‌های کشورها از جمله ساختار نفتی و غیرنفتی را بر نتایج سیاست‌های مالی مورد توجه قرار دهد. در این پژوهش با بهره‌گیری از مطالعه کیم (۲۰۱۵) موفقیت و شکست نسبی مدل‌های نظری با بهره‌گیری از ابعاد جدیدی از داده‌ها، یعنی تأثیر ساختار اقتصادی کشورها از تکانه‌های مصرف دولت، مورد بحث قرار می‌گیرد. برای این منظور ویژگی اساسی کشور شامل نفتی بودن یا غیرنفتی بودن مورد توجه قرار می‌گیرد:

نکته اول: نقش رژیم نرخ ارز مدت‌هاست در بستر مدل‌های قیمت چسبنده^۱ مورد بحث قرار می‌گیرد. پیش‌بینی‌های مربوط به تأثیر تکانه‌های مصرف دولت بر نرخ ارز واقعی، زمانی که تحت یک رژیم نرخ ارز شناور هستند، در میان مدل‌های مختلف یکنواخت نیست. نرخ ارز واقعی در مدل MFD پایه افزایش یافته، در حالی که در برخی از مدل‌های تعمیم یافته کاهش یافته است. نرخ ارز واقعی در مدل‌های جدید کلان اقتصاد باز مانند مدل‌های بتس و دوریوس^۲ و (۲۰۰۰) و کیم و لی^۳ (۲۰۰۸) که تعمیم یافته مدل اوبستفلد و روقوف^۴ (۱۹۹۵) است، کاهش می‌یابد، اما در مدل‌های جدیدتر DSGE مانند مدل راون

¹ Sticky

² Betts & Devereus

³ Kim & Lee

⁴ Obstfeld & Rogoff

و همکاران (۲۰۱۲) و کروسستی و همکاران (۲۰۱۲) پیش بینی‌های متفاوتی داشته است. رژیم نرخ ارز نیز نقش مهمی در تعیین آثار تکانه مصرف دولت بر حساب جاری ایفا می‌کند، هر چند پیامدهای دقیق آن به مشخصات مدل‌های نظری بستگی دارد. مورد دوم: اگر تحرک سرمایه بین‌المللی کم باشد، تأثیر تکانه‌های مصرف دولت بر نرخ ارز واقعی به احتمال زیاد نسبتاً ضعیف خواهد بود. چرا که نرخ بهره متفاوت در کشورهای مختلف مجاز بوده که نمونه‌های آن در مدل MFD مشاهده می‌شود. تأثیر بر حساب جاری نیز به احتمال زیاد با وجود میزان پایینی از تحرک سرمایه بین‌المللی، کمتر می‌شود. به عنوان مثال، تأثیر تغییر مصارف (هزینه‌ها) در مدل MFD ضعیف‌تر است. علاوه بر آن، در مدل‌هایی مانند مدل اوبستفلد و روقوف (۱۹۹۵) و فرنکلن و رازین^۱ (۱۹۹۶)، اعطای وام و دریافت وام‌های بین‌المللی محدود، باعث محدود ساختن تحرک حساب جاری می‌شود. مورد سوم: اندازه یک کشور یکی از عوامل کلیدی تأثیر تکانه‌های ساختاری در اقتصادهای باز است. حرکت حساب جاری و نرخ ارز واقعی به گونه‌ای است که تفاوت‌های میان شرایط اقتصادی یک کشور و شرایط اقتصادی بقیه کشورهای جهان را منعکس کند. بنابراین، تکانه‌های ساختاری (داخلی) مانند تکانه‌های مصرف دولت، تأثیر مشابهی بر حساب جاری و نرخ ارز واقعی در یک اقتصاد باز بزرگ دارند، چرا که این تکانه‌ها فقط در یک اقتصاد باز بزرگ بر شرایط تعادل جهان تأثیر می‌گذارند.

مورد چهارم: مصرف دولت بیشتر روی کالاهای داخلی متمرکز بوده و بنابراین، قیمت نسبی کالاهای ساخت داخل و خارج را افزایش می‌دهد (نرخ ارز واقعی را می‌افزاید). در نتیجه، در کشوری با تجارت آزاد کمتر (یعنی تعصب بیشتر نسبت به مصرف کالای داخلی)، تکانه مصرف دولت باعث می‌شود نرخ ارز واقعی (مبتنی بر مصرف) به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر کند. چنین مکانیزمی در مطالعات راون و همکاران (۲۰۱۲) نیز مشاهده شد. این محققان یک مدل نظری ارائه کرده‌اند که مکانیزمی برای توضیح چگونگی تأثیر تکانه مصرف دولت و تغییر در نرخ ارز واقعی را توضیح می‌دهد. از طرف دیگر، برخی از مطالعات مانند مطالعات کورستتی و مالر (۲۰۰۶) و مالر (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که تراز تجاری در اقتصادهایی که به تجارت‌های نسبتاً بازتر تعلق دارند، بدتر می‌شود.

با توجه به مؤلفه‌های فوق انتظار می‌رود ساختار اقتصادی کشورها (نفتی بودن و یا غیر-نفتی بودن) بتواند اثرات سیاست‌های مالی دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله

^۱ Frenkel & Razin

نرخ ارز واقعی و حساب جاری را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارتی، در اقتصادهای نفتی معمولاً وابستگی بودجه دولت به درآمدهای حاصل از نفت کلیه بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش وابستگی به واردات کالاها و کاهش مصرف کالاهای داخلی، نااطمینانی اقتصادی، پایین بودن سرمایه اجتماعی و انسانی، ضعف تجارت خارجی و پایین بودن درجه باز بودن تجارت، خروج سرمایه‌های داخلی می‌شود. از این رو می‌توان با دسته‌بندی کشورهای در حال توسعه به دو گروه کشورهای نفتی و غیرنفتی، به بررسی اثرات مخارج مصرفی بر نرخ ارز مؤثر واقعی و حساب جاری در این دو گروه از کشورها پرداخت.

در کشورهایی که دارای منابع طبیعی از قبیل نفت می‌باشند، صادرات منابع طبیعی به دلیل سهولت در استخراج آنها در اولویت قرار می‌گیرد و از آنجایی که درآمدهای حاصل از صادرات نفت از محل افزایش ظرفیت‌های تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نیست، در بلندمدت آثار منفی بر بخش‌های دیگر اقتصادی می‌گذارد و این آثار منفی در حقیقت منافع ایجاد شده در بخش‌های رونق یافته را از بین می‌برد. افزایش درآمدهای ارزی کشور از این محل و تزریق آن در اقتصاد باعث افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. به دنبال آن دولت نیز به منظور کنترل تورم نسبت به افزایش واردات کالاهای مبادله‌ای اقدام می‌نماید و چون عملکرد دولت در این خصوص مشمول کالاهای غیرمبادله‌ای نمی‌شود، قیمت کالاهای غیر قابل مبادله به شدت افزایش می‌یابد. به دلیل سودآوری در بخش‌های مربوط به کالاهای غیر مبادله‌ای، طبیعی است که تولیدکنندگان جهت کسب سود بیشتر تمایل می‌یابند منابع خود را برای تولید کالا-های غیر قابل مبادله تخصیص دهند که در نهایت منجر به رکود تولید در بخش‌های مرتبط با کالاهای قابل مبادله می‌شود. مطالب مطروحه در واقع مفهوم بیماری هلندی را تشریح می‌نماید. افزایش واردات کالاهای مبادله‌ای و مصرفی، افزایش سطح قیمت کالا-های غیر قابل مبادله، رکود در تولید کالاهای مصرفی و قابل مبادله و همچنین تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از آثار بیماری هلندی تلقی می‌گردد. در کشورهایی که مبتنی بر اقتصاد نفتی می‌باشند افزایش قیمت نفت، منجر به افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت کشور می‌شود و این موضوع موجب افزایش ارزش پول داخلی و یا کاهش نرخ ارز می‌گردد. از طرف دیگر تزریق درآمدهای ارزی حاصل از افزایش قیمت نفت به اقتصاد کشور، باعث افزایش تورم و افزایش نرخ ارز می‌شود. در

مجموع تغییر نرخ ارز اسمی و افزایش تورم داخلی به دلیل افزایش درآمدهای نفتی موجب تغییر نرخ ارز واقعی می‌گردد ولی میزان و مسیر این نوسان، بستگی به مقدار تغییرات عوامل مذکور دارد.

۲-۲- پیشینه تحقیق

بنتری و لین^۱ (۲۰۰۹) طی یک مطالعه به بررسی اثرات کوتاه‌مدت شوک‌های طرف مالی اقتصاد بر اقتصاد ایرلند پرداخته‌اند. این محققین با استفاده از داده‌های مربوط به مخارج دولت در دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۶ و مدل‌های VAR به این نتیجه دست یافتند که تأثیر شوک‌های مخارج دولت بر روی میزان و ترکیب تولیدات اقتصاد و نرخ ارز واقعی بستگی به ماهیت شوک مالی دارد. به عبارت دیگر نحوه تأثیرگذاری شوک‌های وارده بر سرمایه-گذاری عمومی متفاوت از تأثیرگذاری شوک وارده بر مصرف عمومی می‌باشد. ضمناً باید برای بررسی دقیق‌تر، اثرات تغییرات و شوک‌های وارده به مخارج دولت ناشی از تغییرات دستمزد به طور جداگانه مطالعه گردد.

بیستما و همکاران^۲ (۲۰۱۰) تأثیر شوک در مخارج عمومی روی تراز تجاری و کسری بودجه در ۱۴ کشور از اتحادیه اروپا را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از روش پنل VAR نشان‌گر این هستند که در طی دوره مورد بررسی ۱۹۷۰-۲۰۰۴، ضریب تکاثر کینزی در این اتحادیه وجود دارد و تراز تجاری در اثر شوک مثبت مخارج دولت بدتر می‌شود. یک درصد افزایش در مخارج دولت منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی به میزان ۱/۲ درصد شده و دارای حداکثر تأثیری معادل ۱/۶ درصد می‌باشد. در ضمن تأثیر افزایش مخارج دولت روی تراز تجاری منفی بوده و باعث بدتر شدن آن می‌شود چرا که به دلیل افزایش مخارج دولت واردات افزایش و صادرات کاهش می‌یابد. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از: صادرات، واردات، تولید ناخالص داخلی، مازاد یا کسری تجاری.

راون و همکاران^۳ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های مربوط به ۴ کشور صنعتی (آمریکا، بریتانیا، کانادا و استرالیا) در دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ و روش پنل SVAR به بررسی اثرات شوک‌های وارده بر مخارج دولت بر روی تولید، مصرف، نرخ واقعی ارز و تراز تجاری پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که افزایش مخارج دولت منجر به افزایش تولید و مصرف، تنزل ارزش پول داخلی و بدتر شدن تراز تجاری می‌گردد.

^۱ Benetrix & Lane

^۲ Beetsma et al.

^۳ Ravn & et al.

ایلزتزی و همکاران^۱ (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر عملکرد اقتصاد پرداخته و با استفاده از مشاهدات مربوط به ۴۴ کشور دنیا و روش خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) به این نتیجه دست یافتند که اثر شوک مخارج دولت به ویژگی‌ها و شرایط کشورها بستگی دارد. تأثیر این تغییرات در کشورهای صنعتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه هست. در ضمن ضریب تکاثر مالی در کشورهای با رژیم ارزی ثابت بیشتر از اقتصادهایی با سیستم ارزی شناور می‌باشد. همچنین این ضریب در اقتصادهای بسته بزرگ‌تر از اقتصادهای باز می‌باشد. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه شامل مخارج دولت، سرمایه‌گذاری دولت، تراز جاری، نرخ ارز واقعی، نرخ بهره و GDP می‌باشد.

چی و چولها^۲ (۲۰۱۴) برای بررسی اثرات شوک مخارج دولت بر روی نرخ ارز واقعی و تراز تجاری کشور ترکیه از داده‌های فصلی مربوط به این کشور در طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از یک مدل VAR ساختاری نشان می‌دهد که یک شوک مثبت مخارج دولت منجر به تقویت پول نرخ ارز شده و تراز تجاری را بدتر می‌کند. در عین حال نتایج نشان می‌دهند که ترکیب مخارج دولت هم نقش مهمی در نحوه تأثیرگذاری دارد.

بوآکز و ایکوم^۳ (۲۰۱۵) با استفاده از یک مدل اقتصاد کوچک باز با فرض ناکامل بودن بازارهای مالی بین‌المللی، وجود چسبندگی قیمت‌ها و استفاده از سیاست پولی غیر-تهاجمی به بررسی رابطه بین مخارج دولت، سیاست پولی و نرخ ارز واقعی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بر اثر یک افزایش غیر منتظره مخارج عمومی، تفاوت نرخ بهره واقعی بلندمدت از سایر نقاط دنیا کم شده و موجب کاهش ارزش پول ملی می‌گردد.

دی کاسترو و گروت^۴ (۲۰۱۵) برای شناسایی تفاوت‌ها در نحوه تأثیرگذاری شوک‌های مالی بر روی نرخ ارز در آمریکا و اتحادیه اروپا از شوک مخارج دولت استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از روش خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) نشان می‌دهند که در حوزه یورو افزایش مخارج دولت موجب تقویت ارز شده و به این دلیل خالص صادرات را کاهش می‌دهد. در عین حال نتایج تأیید کننده فرضیه کسری دوقلو بوده و رابطه مثبتی

¹ Ilzetzki

² Cebi & Culha

³ Bouakez & Eyquem

⁴ De Castro & Garrote

بین کسری تجاری و کسری بودجه را نشان می‌دهند. اما در آمریکا این ارتباط متفاوت بوده و افزایش مخارج دولت موجب تنزل ارزش دلار شده است. در این تحقیق از متغیرهای مربوط به GDP، مخارج عمومی دولت، مالیات خالص، شاخص تعدیل GDP، نرخ بهره اوراق قرضه دولتی ده ساله و نرخ ارز مؤثر واقعی استفاده شده است.

کیم (۲۰۱۵) اثرات شوک در مخارج دولت روی تراز جاری و نرخ ارز واقعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور وی از داده‌های فصلی مربوط به ۱۸ کشور صنعتی دنیا در طی دوره زمانی منتهی به سال ۲۰۱۰ و روش VAR بهره گرفته است. سال شروع داده‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است. نتایج نشانگر این مطلب است که شوک مثبت در مخارج دولت منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود. اما تأثیر آن بر تراز جاری در نمونه کشورهای مورد مطالعه متفاوت می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که کاهش ارزش پول داخلی و بهبود تراز جاری در کشورهایی که تحرک سرمایه کمتری دارند بیشتر از کشورهایی هست که تحرک سرمایه زیادی دارند. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از مخارج دولت، GDP، نرخ بهره سه ماهه، نسبت تراز کالاها و خدمات از GDP و نرخ ارز واقعی مؤثر.

در مطالعات داخلی دقیقاً مطالعه‌ای به بررسی اثرات مخارج دولتی بر نرخ ارز حقیقی و حساب جاری نپرداخته است، لیکن برخی مطالعات انجام شده در حوزه کسری بودجه، مخارج دولتی و نرخ ارز حقیقی به شرح زیر وجود دارد.

دلاوری و کریمی‌کیا^۱ (۱۳۸۷) با تأکید بر مخارج دولتی به بررسی تأثیر سیاست مالی بر تراز تجاری ایران پرداخته‌اند. این محققین با استفاده از روش‌هایی همانند انگل-گرینجر، جوهانسون، هم‌انباشتگی مبتنی بر ARDL و روش هم‌انباشتگی فیلیپس-هنسن به مطالعه نحوه تأثیرگذاری متغیرهایی همانند مخارج دولت، سرمایه‌گذاری خصوصی و نیز مصرف خصوصی بر روی تراز تجاری ایران پرداخته‌اند. نتایج بیانگر این مطلب است که بین این متغیرها یک رابطه بلندمدت وجود دارد و نیز افزایش در این متغیرها موجب بدتر شدن تراز تجاری ایران می‌گردد. در کنار متغیرهای فوق، این محققین از متغیرهای صادرات غیرنفتی، درآمد جهان، قیمت نسبی صادرات و نیز واردات، اردات، درآمدهای نفتی، صادرات نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز استفاده نموده‌اند.

^۱ Delavari & Kariminia (2008)

مهرآرا و مرادی^۱ (۱۳۸۷) برای بررسی نحوه تاثیرگذاری کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله بر روی کسری حساب جاری از آمار و اطلاعات کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) استفاده نموده‌اند. در مرحله تخمین مدل این محققین از رویکرد پنل مبنی بر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و داده‌های آماری مربوط به دوره زمانی ۱۹۷۵-۲۰۰۴ استفاده کرده‌اند. نتایج نشانگر این مطلب هستند که فرضیه کسری‌های دوقلو در این کشورها برقرار بوده و کسری بودجه و کسری تجاری با هم هم‌راستا می‌باشند. متغیرهای مورد استفاده این تحقیق عبارتند از: نرخ ارز حقیقی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، مخارج مصرفی دولت، GDP، رابطه مبادله، صادرات، صادرات نفتی، واردات، تراز حساب جاری، کسری بودجه.

مجدزاده طباطبایی و نعمت‌اللهی^۲ (۱۳۸۹) با بررسی تاثیر مخارج دولتی بر روی رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از استفاده از داده‌های مربوط به دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۶ و روش تصحیح خطای برداری نشانگر این است که مخارج کل دولت در بلندمدت تأثیر مثبتی بر رشد دارد. تغییرات در مخارج دولت هم در کوتاه مدت اثر مثبت و معنی‌دار روی تولیدات کشور دارد.

زارع نقده^۳ (۱۳۹۰) با استفاده از داده‌های مربوط به اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۴ به بررسی تأثیر مخارج جاری و عمرانی دولت روی نرخ ارز حقیقی پرداخته‌است. استفاده از روش خود توضیح برداری ساختاری، نشان می‌دهد که در طی دوره مورد بررسی افزایش در مخارج جاری باعث افزایش ارزش واقعی پول ملی و کاهش قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی در بازارهای خارجی می‌شود. تأثیر تکانه مخارج عمرانی بر نرخ ارز حقیقی در مقایسه با تکانه مخارج جاری بسیار اندک بوده است. نتایج بیشتر در تأیید تأثیرگذاری کوتاه‌مدت می‌باشد نه بلندمدت.

زوارثیان^۴ (۱۳۹۱) برای بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و حساب جاری در اقتصاد ایران از یک مدل تصحیح خطای برداری استفاده کرده است. وی در این مطالعه از داده‌های اقتصادی کشور ایران در طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۴۲ بهره گرفته و نشان داده است که در بلند مدت یک رابطه هم‌جمعی بین کسری بودجه و کسری حساب جاری وجود دارد

¹ Mehrara & Moradi (2008)

² Majdzadeh & Nematollahi (2010)

³ Zare (2011)

⁴ Zavarian (2012)

و این دو متغیر دارای رابطه علیت دوطرفه می‌باشند. اما در بازه زمانی کوتاه مدت کسری بوجه علت گرنجری کسری تراز جاری به شمار می‌رود. متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق نسبت کسری بودجه به GDP و نیز نسبت کسری تراز جاری به GDP می‌باشد. در کنار این دو متغیر از متغیرهای برون‌زایی همانند نرخ ارز و درآمدهای صادرات نفت و گاز نیز استفاده شده است.

طهماسبی و همکاران^۱ (۱۳۹۱) برای بررسی تأثیر کسری بودجه بر نرخ ارز حقیقی در ایران از داده‌های مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۵۰ استفاده کرده و با الگوی اقتصادسنجی مبتنی بر روش حداقل مربعات خطا به تخمین مدل پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این مطالعه در طی دوره مورد بررسی نرخ ارز حقیقی با متغیرهای کسری بودجه و صادرات غیرنفتی ارتباط معکوس و با متغیرهای رابطه مبادله و نقدینگی رابطه مثبت داشته است. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه شامل نرخ ارز حقیقی، کسری بودجه، رابطه مبادله، صادرات غیرنفتی و نیز نقدینگی بوده است.

عظیمی و نوفرستی^۲ (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در ایران می‌پردازند. بر اساس داده‌های دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۹ و روش اقتصاد کلان سنجی، مشاهده شد که در صورت اجرای سیاست مالی، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد.

نوآوری این مطالعه نسبت به مطالعات دیگر بررسی اثر ویژگی‌های خاص کشورهاست. اثر تکانه مخارج دولت بر متغیرهای کلیدی تجارت خارجی نمی‌تواند برای همه کشورها یکسان باشد و متغیرها و عوامل بسیار در نحوه و میزان اثرگذاری تکانه مخارج دولت نقش دارد. مطالعه حاضر درصدد است نقش نفتی بودن کشورها را در اثرگذاری تکانه مخارج دولت بررسی کند. اگر اثر تکانه مخارج در کشورهای نفتی با اثر تکانه در کشورهای غیرنفتی متفاوت باشد می‌توان گفت نحوه تأثیر تکانه مخارج مصرفی دولت بر متغیرهای نرخ ارز و حساب جاری متأثر از ساختاری اقتصادی کشورها است. از این رو می‌توان مهم‌ترین وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات انجام شده داخلی را استفاده از داده‌های تابلویی و بهره‌گیری از تکنیک خود رگرسیون برداری تابلویی برای بررسی اثر مخارج

^۱ Tahmasbi & et al.(2012)

^۲ Azimi & Noferești (2015)

دولت بر حساب جاری و نرخ ارز مؤثر واقعی دانست که در آن نقش ساختار اقتصادی کشورها (نفتی و غیرنفتی بودن اقتصاد) نیز مورد کنکاش علمی قرار گرفته است.

۳- روش تحقیق

همزمان با گسترش الگوهای اقتصادسنجی در دهه ۱۹۷۰، چندین انتقاد عمده به این الگوها وارد گردید. پیش‌بینی‌های نادرست، تضاد نظری با رویکرد انتظارات عقلایی، انتقاد لوکاس و مسئله شناسایی در تعیین متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مدل، وجود ریشه واحد و همچنین چشم‌پوشی از همجمعی و ارتباط بلندمدت میان متغیرها جدی‌ترین انتقادات وارده به مدل‌های اقتصادسنجی کلان است. مشکلات و معایب یاد شده سبب توسعه مدل‌های اقتصادسنجی خود رگرسیون برداری (Var) گردید. الگوی Var در نمایش پویایی متغیرها از توانایی زیاد برخوردار است. در این الگو با استفاده از توابع ضربه واکنش و تجزیه واریانس می‌توان اثر تکانه‌ها را سنجید و زمان‌یابی نمود. مدل P-var که تعمیم یافته مدل خود رگرسیون برداری است، دارای ساختار مشابه با مدل سری زمانی Var می‌باشد، به گونه‌ای که در این مدل همگی متغیرها به صورت مستقل و وابسته در معادلات ظاهر می‌شوند. تفاوت اصلی P-var با مدل Var در اضافه شدن بعد مقطع در تصریح مدل است.

مدل خودرگرسیون برداری پنل k متغیره با مرتبه‌ی p همراه با اثرات ثابت را که به وسیله‌ی سیستم معادلات خطی نشان داده می‌شود، در نظر می‌گیریم:

$$Y_{it} = Y_{it-1}A_1 + Y_{it-2}A_2 + \dots + Y_{it-p}A_{p-1} + Y_{it-p}A_p + X_{it}B + u_i + e_{it} \quad (1)$$

$$i \in \{1, 2, \dots, N\}, t \in \{1, 2, \dots, T_i\}$$

Y_{it} بردار $(1 \times k)$ متغیرهای وابسته، X_{it} بردار $(1 \times l)$ متغیرهای کمکی برون‌زا، u_i و e_{it} به ترتیب بردارهای $(1 \times k)$ اثرات ثابت خاص متغیر وابسته و خطاهای ویژه هستند. ماتریس‌های $(k \times k)$ ، $A_1, A_2, \dots, A_{p-1}, A_p$ و ماتریس $(1 \times k)$ پارامترهایی هستند که باید تخمین زده شوند.

$$E[e_{it}] = 0, E[e'_{it}e_{it}] = \Sigma$$

$$E[e'_{it}e_{is}] = 0 \quad t > s$$

پارامترهای فوق ممکن است به طور مشترک همراه با اثرات ثابت یا به طور مستقل از اثرات ثابت پس از برخی تبدیلات با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)^۱ برای هر یک از معادلات، تخمین زده شوند (آبریگو و لاو، ۲۰۱۶)^۲.

مدل‌های خود رگرسیون برداری را می‌توان به روش‌های MG، هولتز-ایکل، نوی و روزن^۳ (۱۹۸۸)، GMM، برآوردهای حداکثر درست‌نمایی و برآوردگر حداقل فاصله‌ای برآورد کرد؛ اما حالتی که به دلیل سادگی بیشتر مورد توجه محققان تجربی واقع شده است حالت GMM است. بعد از برآورد روابط خود رگرسیون برداری داده‌های پانل می‌توان با استفاده از توابع ضربه و پاسخ به بررسی تأثیر شوک‌های مرتبط با متغیر بر متغیر مورد نظر در الگو و بر اساس تجزیه واریانس به بررسی سهم شوک‌های وارد شده از متغیرهای الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر، در کوتاه‌مدت و بلندمدت پرداخت.

الگوی پژوهش حاضر برگرفته از مطالعه کیم (۲۰۱۵) است. در این مطالعه تکانه لگاریتم مخارج مصرفی واقعی دولت LRGDV بر چهار متغیر شامل LRGDP، LRGDV (لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی)، RCUR1 (نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی) و LRRER (لگاریتم نرخ ارز مؤثر واقعی) بررسی و میزان ماندگاری این تکانه در طول دوره زمانی بررسی خواهد شد.

با توجه به هدف اصلی مطالعه در نظر گرفتن نقش ساختار اقتصادی کشورها در رابطه بین مخارج دولتی و متغیرهای کلان اقتصادی، کشورهای در حال توسعه به دو گروه کشورهای نفتی و غیر نفتی تقسیم شده‌اند.

در پژوهش حاضر دو گروه کشور در حال توسعه (شامل ۱۸ کشور نفتی و ۲۲ کشور غیرنفتی) به عنوان قلمرو مکانی مطالعه انتخاب شدند. قلمرو زمانی مطالعه نیز دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۱ بوده و اطلاعات آماری کلیه متغیرها از بانک اطلاعاتی WDI گردآوری شده است.

۴- نتایج برآورد مدل

۴-۱- آزمون مانایی داده‌های تابلویی

¹ Ordinary Least Squares

² Abrigo & love

³ Holtzeakin, Newey & Rosen

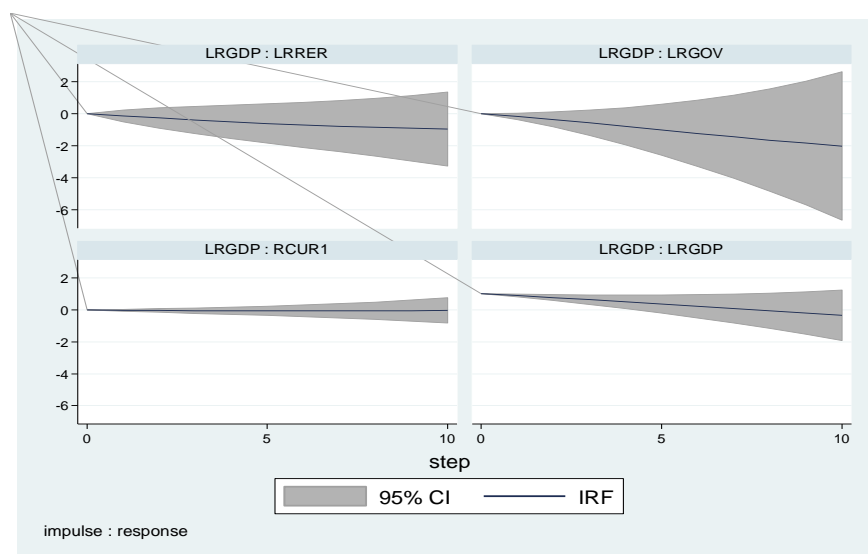
قبل از اینکه مدل مورد اشاره در بخش قبل برآورد شود لازم است مانایی متغیرها بررسی شود چرا که اگر متغیرها درجه هم انباشتگی یکسانی نداشته باشند نمی‌توان از روش P-var استفاده کرد. برای آزمون مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد پانل لوین، لین و چو (LLC) استفاده شده است. یکی از آزمون‌های ایستایی رایج در مطالعات کاربردی آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC) می‌باشد که فرض اساسی آن مستقل بودن واحدهای مقطعی از همدیگر می‌باشد. آزمون ریشه واحد سری‌های زمانی به گونه‌ای است که ایستایی یا نایستایی متغیرها را با استفاده از یک معادله بررسی می‌کند. لوین، لین و چو استدلال می‌کنند که در داده‌های تابلویی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده‌ها دارای قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع بصورت جداگانه است. جدول ۱ نتایج آزمون ریشه واحد داده‌های تابلویی LLC را برای متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به آماره t و t تعدیل شده و اندازه احتمال برای هر متغیر، فرضیه صفر مبنی بر اینکه داده‌ها دارای ریشه واحد هستند رد می‌شود. لذا همه متغیرها $I(0)$ بوده در سطح مانا هستند، بنابراین بدون تفاضل‌گیری می‌توان آنها در مدل p-var استفاده کرد.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد LLC

p-value	t تعدیل شده	آماره t	
۰/۰۰۰	-۸/۰۶	-۹/۳۵	لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی
۰/۰۰۰	-۴/۹۳	-۹/۶۸	لگاریتم نرخ ارز موثر واقعی
-۰/۰۱۴	-۲/۱۷	-۸/۹۸	نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی
۰/۰۰۰	-۴/۳۰	-۶/۲۹	لگاریتم مخارج واقعی دولت

منبع: نتایج تحقیق

جدول (۲) نتایج توابع عکس العمل آنی تکانه مخارج دولت را پس از برآورد الگوی خود رگرسیون برداری با وقفه بهینه ۱ برای کشورهای غیرنفتی برای ۱۰ دوره نشان می‌دهد. همچنین نمودارهای شماره یک تا سه نتایج را به همراه فاصله اطمینان ۹۵ درصد را به روش شبیه‌سازی مبتنی بر تقریب گاوسی نمایش می‌دهد. نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد با تکانه یک واحدی مخارج دولت ابتدا تولید ناخالص داخلی واقعی افزایش یافته و سپس اثر آن از بین می‌رود. به عبارتی، تکانه مخارج دولت اثر ماندگاری بر تولید ناخالص داخلی کشورهای غیرنفتی ندارد. به طوری که نتایج نشان می‌دهد تکانه مثبت مخارج دولتی در دوره اول منجر به افزایش ۰/۰۲۴ درصدی تولید ناخالص داخلی شده و این اثر در دوره سوم به ۰/۰۳۸ درصد بالغ گردیده است. سپس اثر تکانه مخارج دولت از دوره چهارم کاهش یافته است و واکنش تولید ناخالص داخلی به تکانه مخارج دولتی در انتهای دوره ۱۰ به رقمی معادل ۰/۰۰۹ درصد کاهش یافته است.



نمودار (۱): تابع عکس‌العمل GDP نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه مخارج مصرفی

دولت) در کشورهای غیرنفتی

منبع: نتایج تحقیق

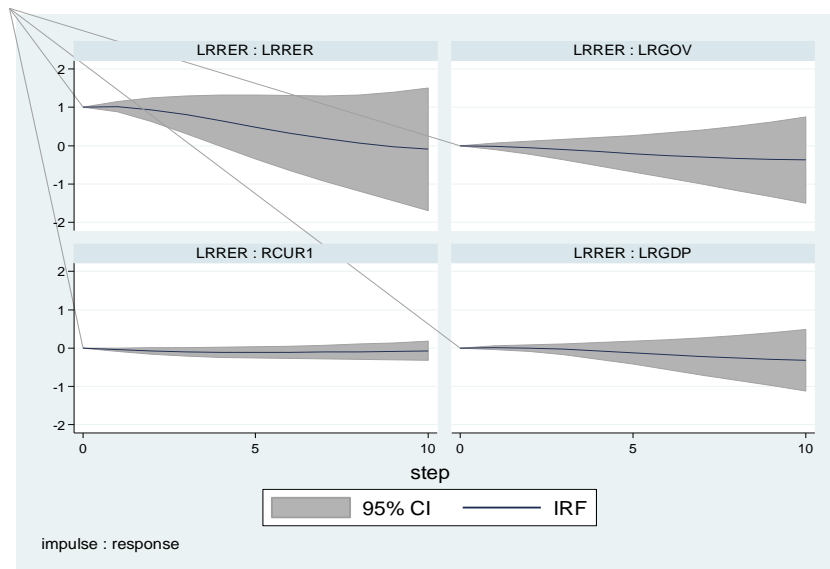
جدول (۲): تابع عکس‌العمل شوک مخارج دولت برای کشورهای غیرنفتی

دوره ۵	دوره ۴	دوره ۳	دوره ۲	دوره ۱	دوره صفر	
۰/۰۳۰	۰/۰۳۶	۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	۰/۰۲۴	۰	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
-۰/۱۱۶	-۰/۰۶۶	-۰/۰۲۰	۰/۰۱۴	۰/۰۲۶	۰	لگاریتم نرخ مؤثر ارز
-۰/۰۵۰	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۳	-۰/۰۱۹	۰	نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی

دوره ۱۰	دوره ۹	دوره ۸	دوره ۷	دوره ۶	
۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۱۷	۰/۰۲۳	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
-۰/۲۸۲	-۰/۲۶۶	-۰/۲۴۱	-۰/۲۰۷	-۰/۱۶۴	لگاریتم نرخ مؤثر ارز
-۰/۰۳۰	-۰/۰۳۶	-۰/۰۴۱	-۰/۰۴۶	-۰/۰۴۹	نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی

منبع: نتایج تحقیق

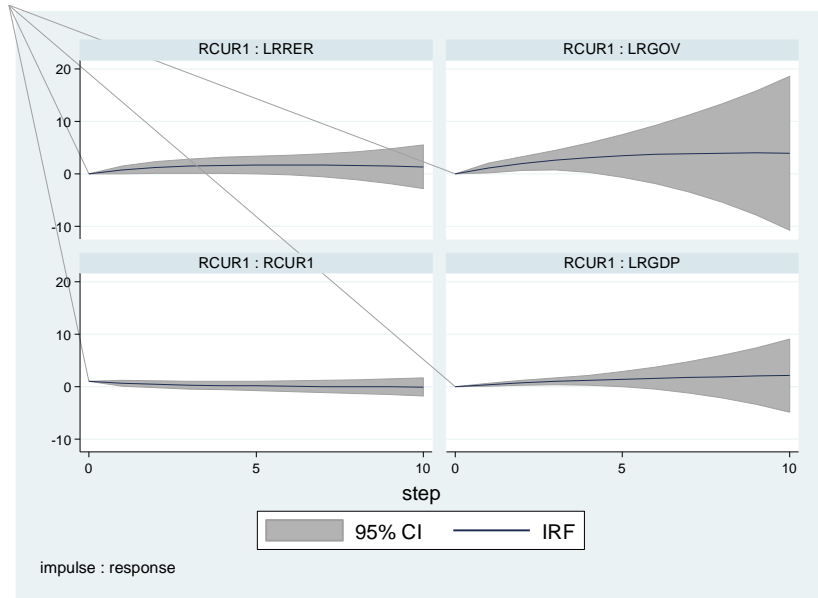
همچنین نتایج جدول (۲) در مورد اثر تکانه مخارج دولت بر نرخ ارز مؤثر واقعی نشان می‌دهد نرخ ارز مؤثر واقعی ابتدا افزایش یافته اما از دوره سوم به بعد کاهش می‌یابد. روند به دست آمده برای ۱۰ دوره نشان‌دهنده ماندگاری تکانه مخارج دولت بر کاهش نرخ ارز است. به عبارت دیگر، اثر تکانه افزایش مخارج دولتی بر نرخ ارز مؤثر واقعی ابتدا مثبت و سپس منفی شده است. به طوری که شدت اثرگذاری تکانه مثبت مخارج دولتی بر نرخ ارز مؤثر واقعی از ۰/۲۶ در دوره اول به رقمی معادل -۰/۲۸ در دوره دهم کاهش یافته است. این نتایج نشان‌دهنده این است که افزایش مخارج دولتی ابتدا در کوتاه مدت باعث کاهش ارزش پول داخلی شده ولی در میان مدت و بلندمدت باعث افزایش ارزش پول داخلی می‌گردد. واکنش نرخ ارز مؤثر واقعی به تکانه‌ها در کشورهای غیرنفتی در نمودار (۲) ارائه شده است.



نمودار (۲): تابع عکس العمل نرخ ارز مؤثر واقعی نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه مخارج مصرفی دولت) در کشورهای غیرنفتی

منبع: نتایج تحقیق

در مورد اثر تکانه مخارج دولتی بر تراز تجاری کشورهای غیرنفتی که در این مطالعه به صورت سهم خالص صادرات از تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است، مشاهده می‌شود اولاً سهم خالص صادرات منفی است، یعنی تکانه مخارج دولت باعث پیشی گرفتن واردات بر صادرات می‌شود همچنین این سهم با تکانه مخارج دولت ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، تکانه مخارج دولت باعث افزایش تجارت خارجی (البته بصورت افزایش واردات) و سپس باعث کاهش این سهم می‌شود. عکس‌العمل حساب جاری به تکانه‌ها در کشورهای غیرنفتی در نمودار (۳) گزارش شده است.



نمودار (۳): تابع عکس‌العمل حساب جاری نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه مخارج مصرفی دولت) برای کشورهای غیرنفتی

منبع: نتایج تحقیق

۳-۴- نتایج کشورهای نفتی

نتایج مربوط به اثرات تکانه مخارج مصرف دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی کشورهای نفتی در جدول ۳ و نمودارهای (۴) تا (۶) گزارش شده‌اند. بر اساس این نتایج، برخلاف کشورهای غیرنفتی، تکانه مخارج دولت اثر ماندگاری بر تولید ناخالص داخلی واقعی در کشورهای نفتی دارد.

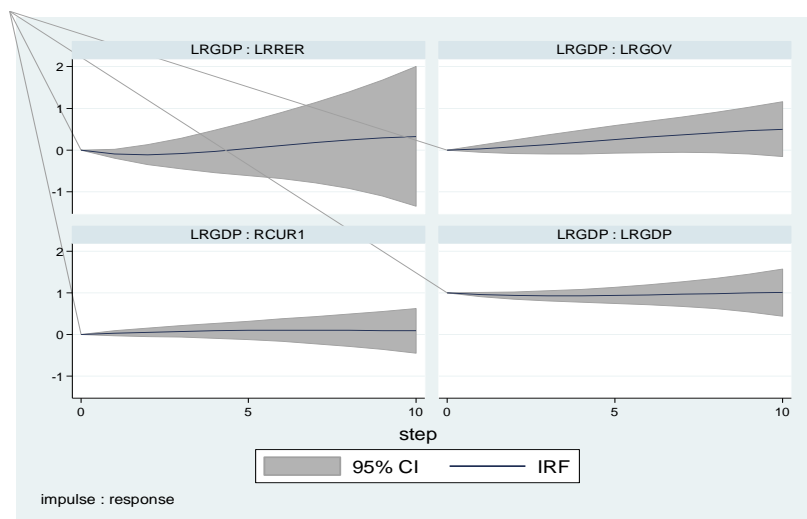
جدول (۳): تابع عکس‌العمل شوک مخارج دولت برای کشورهای نفتی

دوره ۵	دوره ۴	دوره ۳	دوره ۲	دوره ۱	دوره صفر	
۰/۳۹۱	۰/۳۳۱	۰/۲۶۳	۰/۱۸۵	۰/۰۹۷	۰	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
۱/۱۶۵	۱/۱۵۹	۱/۱۴۰	۱/۱۰۸	۱/۰۶۲۴	۱	لگاریتم مخارج دولت
۰/۲۵۰	۰/۲۳۵	۰/۲۰۵	۰/۱۵۹	۰/۰۹۲	۰	لگاریتم نرخ موثر ارز
-۰/۰۳۱	-۰/۰۲۸	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۱	-۰/۰۱۴	۰	نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی

دوره ۱۰	دوره ۹	دوره ۸	دوره ۷	دوره ۶	
۰/۵۶۳	۰/۵۴۵	۰/۵۱۹	۰/۴۸۵	۰/۴۴۲	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
۱/۰۰۱	۱/۰۶۰	۱/۱۰۶	۱/۱۳۹	۱/۱۵۸	لگاریتم مخارج دولت
۰/۱۷۴	۰/۲۰۶	۰/۲۳۰	۰/۲۴۶	۰/۲۵۴	لگاریتم نرخ مؤثر ارز
-۰/۰۵۱	-۰/۰۴۷	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۸	-۰/۰۳۴	نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی

منبع: نتایج تحقیق

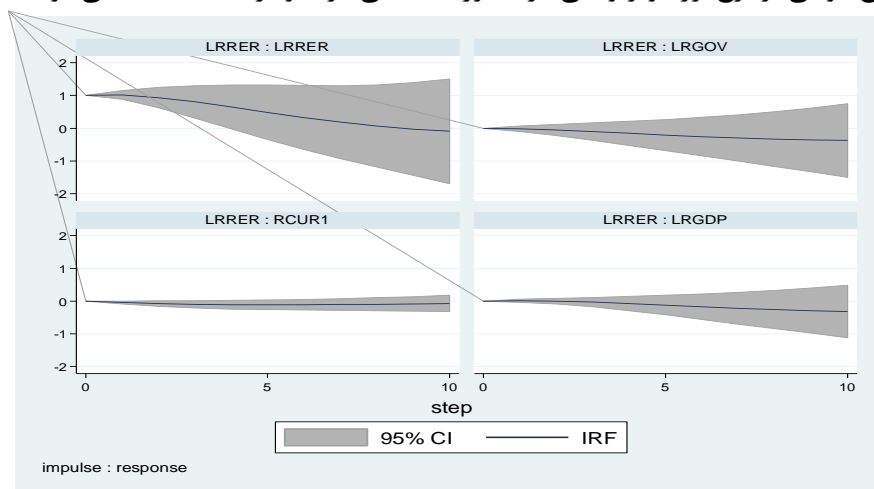
نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد با افزایش یک واحدی در مخارج دولت، تولید واقعی به مرور افزایش و اثر این افزایش ماندگار است. به طوری که کشش تولید ناخالص داخلی نسبت به تکانه مخارج دولتی از ۰/۰۹۷ در دوره اول به رقم ۰/۵۶۳ در دوره دهم افزایش یافته است. این امر دلالت بر این دارد که اثر تکانه مخارج دولتی بر تولید ناخالص داخلی در طول دوره به صورت نمایی رشد می‌کند. لذا می‌توان استدلال کرد تأثیر تکانه مخارج دولتی در بلندمدت به مراتب بیشتر از دوره کوتاه مدت است. نمودار (۴) مؤید این امر می‌باشد.



نمودار (۴): تابع عکس العمل GDP نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه مخارج مصرفی دولت) در کشورهای نفتی

منبع: نتایج تحقیق

در مورد اثر تکانه مخارج مصرفی دولت بر نرخ ارز مؤثر واقعی در کشورهای نفتی نیز برخلاف کشورهای غیرنفتی تکانه مخارج دولت باعث افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول می‌شود که دلیل آن افزایش تقاضا بر اثر تکانه مثبت مخارج دولت است. تکانه مثبت به عنوان یک سیاست انبساطی موجب افزایش تقاضا در کشور می‌شود. افزایش تقاضا نیز معمولاً در کشورهای نفتی به افزایش واردات و تقاضا برای ارز منجر می‌شود که همین مسئله نرخ ارز را افزایش داده است (منجر به کاهش ارزش پول داخلی می‌شود). اثر تکانه مخارج دولتی بر نرخ ارز مؤثر واقعی در کشورهای نفتی در نمودار (۵) مشاهده می‌شود.

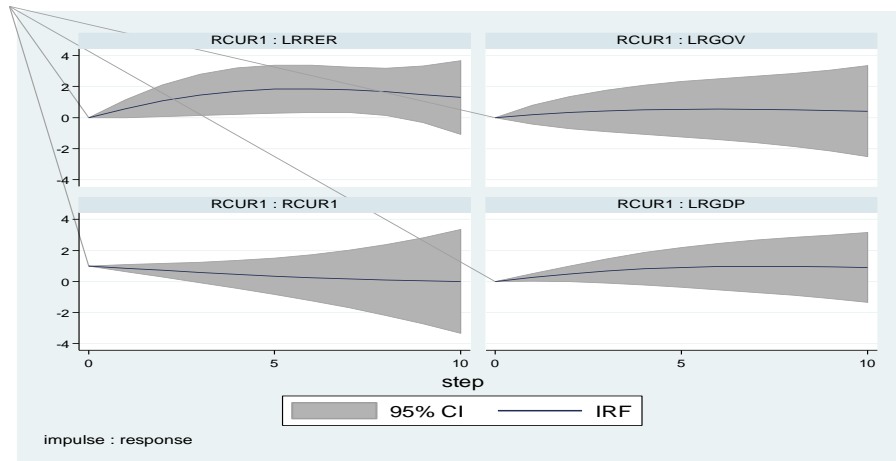


نمودار (۵): تابع عکس‌العمل نرخ ارز مؤثر واقعی نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه

مخارج مصرفی دولت) در کشورهای نفتی

منبع: نتایج تحقیق

در مورد اثر تکانه مخارج مصرفی دولت بر حساب جاری و یا تجارت کشورهای نفتی نتایج نشان دهنده آن است که تکانه مخارج مصرفی دولت نسبت کسری تجاری به تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد، به طوری که اثر تکانه مخارج دولتی بر نسبت خالص صادرات به تولید ناخالص داخلی از رقم $-0/014$ دوره اول به رقم $-0/051$ دوره دهم افزایش یافته است. به عبارتی، ضمن اینکه مخارج دولتی تأثیر منفی بر خالص صادرات داشته، با گذشت زمان این اثر منفی بیشتر شده است. نحوه اثرگذاری تکانه مخارج دولتی بر حساب جاری در نمودار (۶) مشاهده می‌شود.



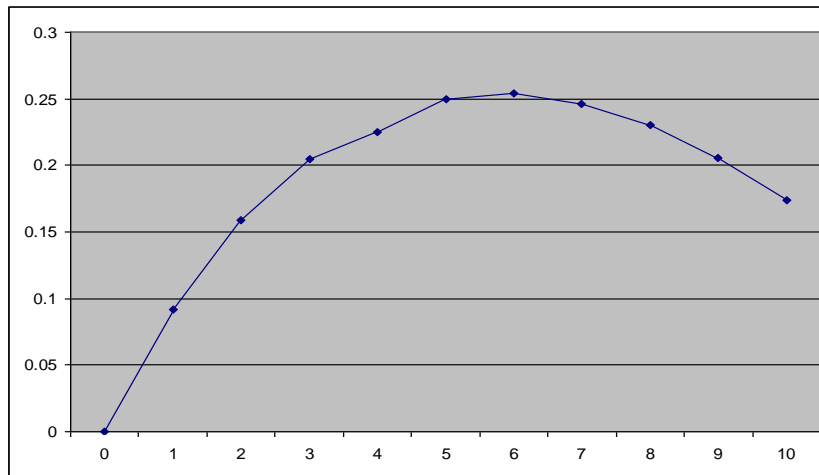
نمودار (۶): تابع عکس‌العمل حساب جاری نسبت به تکانه‌ها (از جمله تکانه مخارج

مصرفی دولت) در کشورهای نفتی

منبع: نتایج تحقیق

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله اثرات تکانه مخارج مصرفی دولت بر متغیرهای نرخ ارز مؤثر واقعی و حساب جاری برای دو گروه از کشورهای در حال توسعه نفتی و غیرنفتی طی دوره ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بکارگیری تکنیک خود رگرسیون برداری تابلویی (Panel VAR) نشان می‌دهد که اثر تکانه مخارج دولتی بر نرخ ارز مؤثر واقعی در دو گروه از کشورها با ساختارهای اقتصادی نفتی و غیرنفتی کاملاً متفاوت است. به طوری که در کشورهای غیرنفتی تکانه مخارج دولتی ابتدا در دو دوره اول تأثیر مثبت بر نرخ ارز واقعی داشته و از این رو موجب تضعیف ارزش پول داخلی شده است، لیکن از دوره سوم موجب کاهش نرخ ارز واقعی (تقویت پول داخلی) شده و این روند تا دوره دهم تشدید شده است. به عبارتی اثر تکانه مخارج دولتی بر نرخ ارز واقعی از دوره سوم مرتباً در حال افزایش بوده که به منزله این است که ارزش پول داخلی با بروز تکانه مالی دولت در بلندمدت تقویت قابل توجهی خواهد داشت. لیکن در کشورهای نفتی، برخلاف کشورهای غیرنفتی، تکانه مخارج دولتی همواره تأثیر مثبت بر نرخ ارز واقعی داشته و بدین ترتیب منجر به تضعیف ارزش پول داخلی شده است. به طوری که در دوره هفتم تضعیف پول ملی به اوج رسیده و بعد از آن اثر تا حدودی کاهش می‌یابد (مطابق شکل ۷).



نمودار (۷): اثر تکانه مخارج دولت بر نرخ ارز مؤثر واقعی در کشورهای نفتی

طی ده دوره

منبع: نتایج تحقیق

بنابراین، ساختار اقتصادی کشورها نقش تعیین کننده‌ای بر اثر تکانه سیاست‌های مالی (مخارج مصرفی دولت) بر نرخ ارز مؤثر واقعی دارد.

مقایسه اثر تکانه مخارج دولت بر حساب جاری در دو گروه از کشورهای نفتی و غیرنفتی نیز حاکی از آن است که اثر تکانه مخارج دولتی بر این متغیر همواره منفی است، به طوری که تکانه مخارج دولتی موجب شده است در هر دو گروه از کشورهای واردات کالا از صادرات کالا پیشی بگیرد و این امر می‌تواند ناشی از فشارهای تقاضا دولت بر قیمت کالاها و خدمات و در نتیجه کاهش قدرت رقابتی اقتصاد داخلی و افزایش قدرت رقابتی اقتصاد خارجی باشد. لیکن تفاوت اثر تکانه مخارج دولت بر حساب جاری در دو گروه از کشورهای نفتی و غیرنفتی به شدت اثر و میزان اثرگذاری در طول دوره زمانی این تکانه برمی‌گردد. چرا که در کشورهای نفتی اثر تکانه مخارج دولتی تا دوره چهارم افزایشی بوده و در دوره پنجم کاهش یافته و سپس از دوره ششم روند افزایشی داشته است (جدول ۲). بنابراین، اثر تکانه مخارج دولتی بر حساب جاری این گروه از کشورهای علی‌رغم اینکه همواره منفی بوده، روند منظمی نداشته است، ولی در بلندمدت اثر منفی رو به افزایش بوده است. اما در کشورهای غیرنفتی اثر منفی تکانه مخارج دولتی بر حساب جاری تا دوره پنجم روند افزایشی داشته و از دوره ششم روند کاهشی به خود گرفته است به طوری که در دوره

بلند مدت این اثر منفی نزدیک صفر می‌شود (جدول ۲). به عبارت دیگر، اثر تکانه مخارج مصرفی دولت بر کسری حساب جاری دارای اثر غیرخطی به شکل U است. نتیجه این که ساختار اقتصادی نقش مهمی در اثرگذاری سیاست‌های دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ ارز مؤثر واقعی و حساب جاری دارد. در این مطالعه نفت به عنوان عامل تعیین کننده ساختار اقتصادی کشورها در نظر گرفته شد و نشان داده شد که ساختار نفتی سبب می‌شود سیاست‌های مالی دولت (مخارج مصرفی) در بلندمدت موجب تضعیف پول داخلی و کاهش حساب جاری شود. سیاست‌های مالی در کشورهای غیرنفتی سبب می‌شود نرخ ارز در بلندمدت کاهش یابد و یا پول این کشورها تقویت شود و کسری حساب جاری به صفر برسد.

بر اساس نتایج تجربی، تکانه مخارج دولت در کشورهای نفتی منجر به تضعیف ارزش پول داخلی شده است. لیکن بر خلاف انتظار در این کشورها تضعیف ارزش پول داخلی منجر به کاهش کسری تجاری نمی‌گردد. این امر نشان می‌دهد کاهش کسری تجاری و افزایش صادرات در این کشورها از طریق سیاست‌های مالی انبساطی کارایی لازم را ندارد. لذا توجه دولت‌ها به کنترل مخارج دولت در کشورهای نفتی مهمترین توصیه سیاستی مطالعه حاضر است.

فهرست منابع

۱. امامی، کریم (۱۳۹۰)، تأثیر نااطمینانی مخارج جاری و عمرانی دولت بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۵ (۴).
 ۲. زارع نقده، سمیه (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر مخارج جاری و عمرانی دولت بر نرخ ارز حقیقی در ایران، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهرا.
 ۳. مجدزاده طباطبایی، شراره، نعمت‌اللهی، فاطمه (۱۳۸۹)، تاثیر رشد مخارج دولتی بر رشد اقتصادی مطالعه موردی اقتصاد ایران، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۷ (۵۳)، ۲۵-۴۴.
 ۴. عظیمی، سید امیر، نوفرستی، محمد، (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری پویا، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۵ (۲)، ۱۵۶-۱۳۷.
 ۵. زوارثیان کچومنقالی، منصوره (۱۳۹۱)، مطالعه رابطه بین کسری بودجه دولت و حساب جاری در اقتصاد ایران در طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۲، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، (۶۲)، ۲۲۱-۱۹۳.
 ۶. دلاوری، مجید، کریمی‌کیا، اسما (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر سیاست مالی بر تراز تجاری ایران با تاکید بر مخارج دولتی، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۴۳ (۴)، ۱۷۴-۱۴۵.
 ۷. طهماسبی، بهمن، جعفری صمیمی، احمد، امیری، حنیفه (۱۳۹۱)، تاثیر کسری بودجه بر نرخ ارز حقیقی در اقتصاد ایران، *فصلنامه دانش حسابرسی*، (۴۹)، ۵۰-۲۵.
 ۸. مهرآرا، محسن و مرادی، مهدی (۱۳۸۷)، بررسی تاثیرات کسری بودجه، نرخ ارز حقیقی و رابطه مبادله بر کسری حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت عضو (OPEC)، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، (۴۷)، ۱۶۷-۱۴۱.
- 1- Abrigo, M.R.M., & Love, I. (2016). *Estimation of panel vector autoregression in stata: a package of programs*, University of Hawai'i at Mānoa Department of Economics Working Paper Series . 16, 1-30
 - 2- Beetsma, R., Giuliodori, M., & Klaassen, F. (2008). The Effects Of Public Spending Shocks On Trade Balances And Budget Deficits In The European Union. *Journal of the European Economic Association*, 6(2-3), 414-423.
 - 3- Benetrix, AS, Lane, PR. (2009). The impact of fiscal shocks on the Irish economy, *The economic and social review*, 40, 407-434.
 - 4- Bouakez, H, Eyquem, A. (2015). Government spending, monetary policy, and the real exchange rate, *Journal of International Money and Finance*, 56, 178-201.
 - 5- Castro, F., Garrote, D. (2015), The effects of fiscal shocks on the exchange rate in the EMU and differences with the USA, *Empirical Economics*, 49, 1341-1365.

- 6- Cebi, C., Culha, AA. (2014). The effects of government spending shocks on the real exchange rate and trade balance in Turkey, *Applied Economics*, 46, 3151-3162.
- 7- Ilzetki ,E., Mendoza, E. G., & Végh, C. A. (2013). How big (small?) are fiscal multipliers? *Journal of Monetary Economics*, 60(2), 239-254.
- 8- Ilzetki, E., Carmen, R., and Kenneth, R. (2009), Exchange rate arrangements entering the 21st century: Which anchor will hold?(mimeo, University of Maryland and Harvard University).
- 9- Kim, S. (2015). Country characteristics and the effects of government consumption shocks on the current account and real exchange rate. *Journal of International Economics*, 97(2), 436-447.